



۲۰۱۶/۰۱/۰۲

تیمور شاه تیموری



مخمس

در باغ جهان نوگل محبوب رسائی
حقا که همه حسن ووجاهت توسزائی
سیمین بدن و نازک و مرغوب و صفائی
یکدل نه که صد دل به یکی غمزه ربائی
در حیرتم ای گل که چنین خوب چرائی
هر سو که روم باز بیایم سر کویت
مستانه سخن گویم و دیوانه خویت
از بس که دلم برده ادا های نکویت
صد بار کنم سجده به آئینه رویت
ای شوخ چرا بر در این خانه نائی
در سایه آن زلف پریشان تو باشم
گفتم که شبی گرشده مهمان تو باشم
افشا گر زیبائی پنهان تو باشم
شب تابه سحر بیخود و حیران تو باشم
آیم به سراپرده حسنت به گدائی
بخشی تو همه عشق و همه مهر و محبت
قربان تو با این همه انفاق و مروت
نوری تو یکی نور ز انوار کرامت
حقا که امیری به کردار سخاوت
دیوانه رویت شوم ای نور خدائی
مجنون صفتان طالب دیدار زیاد است
هر جا که روی جمع خریدار زیاد است
قومی که فرو رفته به پندار زیاد است
عشاق رخت بر سر بازار زیاد است
"تیمور" نرود در پی عشق سر راهی